بی‌شناسنامه‌ها در لیست ردمرزشدگان

هوری مزارزهی، زن بلوچی است که مادر ۶ فرزند و بی‌شناسنامه است. یکی از دختران او که ۱۶ ساله است، ازدواج کرده و پنج فرزند دیگرش در خانه با او زندگی می‌کنند که دو نفر از آنها دارای معلولیت‌اند. پدر هوری زندانی و شناسنامه‌اش را گم کرده بود. پس از آزادی درگیر اعتیاد می‌شود و به همین دلیل برای دو فرزند آخرش (هوری و برادرش) شناسنامه نمی‌گیرد. همسر هوری حدود ۶ ماه پیش فوت کرده و او حالا مخارج فرزندانش را با گلدوزی تامین می‌کند. او برای دریافت شناسنامه به ثبت احوال سوران مراجعه کرده و برای انگشت‌نگاری هم رفته است. اما همچنان بدون شناسنامه است. فرمانداری به هوری گفته پیش از او ۷۰ پرونده دیگر وجود دارد که ابتدا باید آنها تعیین تکلیف شوند. هوری از آنها خواسته که اولویت‌بندی داشته باشند و کسانی مانند خودش را که در شرایط سخت‌تری هستند در اولویت بگذارند اما به «هم‌میهن» می‌گوید: «به حرف من گوش نمی‌دهند.» او می‌گوید بدون شناسنامه از هیچ خدمات دولتی نمی‌تواند استفاده کند: «هر جا می‌روم شناسنامه می‌خواهند. بیمارستان شناسنامه می‌خواهد، بستری هم که می‌شوم باید با نرخ آزاد خرج و مخارج درمانم را بدهم.» برادر هوری را در سال ۹۶ چون شناسنامه نداشته به عنوان افغانستانی از کشور اخراج کردند و خواهرش پس از یک ماه توانسته او را از افغانستان به ایران بازگرداند. هوری و برادرش هنوز هم بی‌شناسنامه‌اند.

محمدرضا مزارزهی، نویسنده کارزاری در اعتراض به بی‌شناسنامه ماندن خانواده‌ها و افراد فاقد شناسنامه ایرانی و بلوچ، از کارگر بلوچی به «هم‌میهن» می‌گوید که در طرح اخراج مهاجران افغانستانی رد مرز شده است: «عبدالکریم یوسف‌زهی که کارگر بلوچ بوده را به بهانه افغانستانی بودن رد مرز کردند. او در حال حاضر در افغانستان است.» در طایفه مزارزهی حدود ۱۰۰ نفر بی‌شناسنامه‌اند: «ما به این امید که ضرب‌الاجلی تعیین شود و بتوانیم برای افراد بی‌شناسنامه شناسنامه بگیریم لیستی از آنها در طوایف مختلف تهیه کردیم اما این اتفاق نیفتاد.» به گفته او ابتدا اعلام کردند سران طوایف به استانداری بروند تا برای افراد بی‌شناسنامه به شکل فوری شناسنامه صادر شود: «اما این اتفاق نیفتاد و آن را تکذیب کردند.»

هدف او از راه‌اندازی این کارزار این بود که فرآیند شناسنامه دادن سرعت بخشیده شود: «مردم مجبور نباشند چندین سال برای دریافت شناسنامه دوندگی کنند. ما گاهی برای دریافت شناسنامه مجبور به رشوه دادن هم شده‌ایم و با این وجود سال‌ها باید برای دریافت شناسنامه منتظر باشیم.» او درباره شوهرعمه خودش به عنوان یکی از شهروندان بلوچ بدون شناسنامه می‌گوید: «شوهرعمه من هشت سال برای دریافت شناسنامه دوندگی کرد و به همین دلیل بسیاری از فرزندان از تحصیل بازمی‌مانند. نهادهای انتظامی و مسئولان کوتاهی می‌کنند و به همین دلیل فرآیند دریافت شناسنامه بسیار طولانی می‌شود. خانواده‌های بسیاری هستند که بیش از ۶ سال است برای دریافت شناسنامه اقدام کردند اما همچنان به نتیجه نرسیده‌اند. به آنها می‌گویند باید به فرمانداری، دهیاری، استانداری یا تهران مراجعه کنند. همین فرستادن به تهران مسئله را بسیار زمان‌بر می‌کند.» نتیجه این سازوکار، شهروندانی است که قید شناسنامه داشتن را زدند و نمی‌توانند از کمترین مزایای شهروندی استفاده کنند.

حبیب مزارزهی هم شهروند بلوچ دیگری است که درباره سه خانوار بدون شناسنامه به «هم‌میهن» می‌گوید: «در این دوران که دولت اقدام به اخراج افغانستانی‌ها کرده است، آنها هم خودشان را در معرض خطر می‌بینند و به دلیل نداشتن مدارک هویتی با ترس از خانه خارج می‌شوند و ترددهایشان با مشکلات بسیاری همراه شده است.» به گفته او آنها از تمام خدمات دولتی محروم‌اند: «آنها نمی‌توانند حتی یک نان از نانوایی بگیرند چون کارت بانکی ندارند. نمی‌توانند سیم‌کارت داشته باشند، چون مدرک هویتی ندارند. بچه‌هایشان مدرسه نمی‌روند و تنها تا کلاس پنجم و ششم درس می‌خوانند که آن هم معلم روستا به آنها آموزش می‌دهد که خواندن و نوشتن را یاد بگیرند اما نمی‌توانند ادامه تحصیل دهند.» این سه خانواده ۲۵ سال است که برای دریافت شناسنامه اقدام کردند و هنوز هم نتوانستند آن را دریافت کنند. این در حالی است که آنها استشهاد محلی دارند که ایرانی و بلوچ هستند.

تبعیض، مُهری بر پیشانی مردم بلوچ

در زاهدان، زابل، ایرانشهر، چابهار و سرباز مردم بدون شناسنامه هستند. حاشیه‌نشین‌های این شهرها اغلب فاقد شناسنامه‌اند. این جمله‌ها را انور امیری، فعال اجتماعی بلوچ به «هم‌میهن» می‌گوید: «عوامل متعددی عدم هویت و صدور شناسنامه را برای مردم سیستان و بلوچستان ایجاد کرده است. زیرساخت‌های کار و اشتغال در این منطقه وجود نداشته و ندارد و عمده اشتغال مردم سیستان و بلوچستان کشاورزی و دامداری است و خشکسالی‌های بلندمدت باعث مهاجرت مردم منطقه به کشورهای حاشیه خلیج‌فارس مانند عمان، امارات، بحرین و عربستان شده است. تعدادی هم به پاکستان مهاجرت می‌کردند. پس از سال‌ها که به کشور برمی‌گشتند بخشی از آنها به دلیل نداشتن سواد کافی نتوانستند مدارک هویتی‌شان را تجدید کنند. بخشی از آنها هم به عنوان مثال پاسپورت پاکستانی می‌گرفتند. به همین دلیل هم با مشکل برای صدور شناسنامه المثنی مواجه می‌شدند.

دادالله زهی، معلمی ساکن ایرانشهر و فعال اجتماعی سیستان و بلوچستان است و به «هم‌میهن» درباره بازار سیاهی می‌گوید که در اثر نداشتن شناسنامه در سیستان و بلوچستان ایجاد شده است: «افراد در این استان کارت عابربانک یا کارت سوخت خودشان را به دیگران اجاره می‌دهند. کارت ملی و شناسنامه خودشان و فرزندان‌شان را یا می‌فروشند یا اجاره می‌دهند

بخش دیگری هم کسانی بودند که در مهاجرت با دیگر طوایف مانند هندی‌ها و پنجابی‌ها ازدواج می‌کردند.»

بازنگری در قوانین تابعیت و ازدواج ضرورتی است که امیری درباره آن می‌گوید: «قوانین تابعیت هنوز هم بازنگری و اصلاح نشده و این ازدواج‌ها باعث شده فرزندان و همسران آنها نتوانند شناسنامه بگیرند.» به گفته او برخی از افراد بی‌شناسنامه در حاشیه شهر چابهار زندگی می‌کنند: «بسیاری از آنها هنوز هم در دل کوه زندگی می‌کنند. زیست آنها در دل کوهستان است و به همین دلیل تغییرات را با تاخیرهای چندساله متوجه می‌شوند. بخش دیگر هم کسانی هستند که به دلیل منع قانونی انتقال تابعیت از مادر نمی‌تواند برای فرزندانشان شناسنامه بگیرند.» تبعیض همه آن چیزی است که سیستان و بلوچستان در این سال‌ها تجربه کرده است: «بسیاری از قوانین و یارانه‌هایی که برای جوانی جمعیت در نظر گرفته می‌شود مشمول سیستان و بلوچستان نمی‌شود و این مردم به جای تبعیض مثبت، با تبعیض منفی مواجه می‌شوند.»

بلوچی که شناسنامه ندارد به سمت قاچاق سوخت، مواد مخدر و شغل‌های کاذبی می‌رود که در این منطقه وجود دارد: «چون درس نمی‌خواند و از تحصیل محروم می‌شود. فقر نسبت مستقیمی با مسئله ازدواج دارد. خانواده‌هایی که دخترهای کوچک دارند به این دلیل که آنها سربار خانواده نباشند آنها را به ازدواج با افرادی مسن‌تر و پولدارتر مجبور می‌کنند. پسرها هم به سمت مشاغلی مانند قاچاق می‌روند. گاهی هم راهزن می‌شوند.» با وجود نگاه‌های امنیتی که سیستان و بلوچستان را زیر سیطره خود گرفته است، مردم این استان همزیستی را زندگی می‌کنند: «تمام بلوچ‌ها به این سرزمین تعلق خاطر دارند. پاکستانی‌های بسیاری در زابل زندگی می‌کنند. بلوچ و سیستانی و زابلی و شیعه و سنی کنار هم زندگی می‌کنند. این مسائل باعث نشده بافت عشیره‌ای و سنتی در این منطقه از دست برود. خرده ناامنی‌ها از بیرون مرزها اتفاق می‌افتد.»

دولت چهاردهم با شعار وفاق ملی روی کار آمد؛ شعاری که امیری از آن انتقاد می‌کند: «وفاق ملی تا زمانی که وفاق محلی و منطقه‌ای شکل نگیرد، کامل نمی‌شود. اگر زیست بوم سیستان و بلوچستان شرایط پایدار محلی نداشته باشد، شعار وفاق ملی تحقق پیدا نمی‌کند.» به گفته او در حال حاضر استاندار بلوچ است اما مسئله شناسنامه نداشتن همچنان بدون راه‌حل باقی مانده است: «دسترسی به مرکز دور است و به همین دلیل صدای این منطقه شنیده نمی‌شود.» او راهکاری را پیش پای دولت برای حل مشکل شناسنامه‌دار شدن مردم بلوچ می‌گذارد: «دولت می‌تواند برای مردم بی‌شناسنامه کارت شهروندی صادر کند. اثرانگشت آنها را ثبت کند و با کمک گرفتن از سازمان‌های مردم‌نهاد و سازمان‌های بین‌المللی آزمایش‌های هویتی را انجام دهد و برای رفع این مشکل اقدام کند. اما این کار انجام نشده و مشکل به همان شکل باقی مانده است.» او معتقد است عملکردها باید به شکلی باشد که شکاف اجتماعی منجر به شکاف سرزمینی نشود.

برخی از بی‌شناسنامه‌مانده‌ها در سیستان و بلوچستان، افراد سالخورده‌اند. ایوب آبیار، دیگر فعال اجتماعی بلوچ با اشاره به وضعیت آنها به «هم‌میهن» می‌گوید: «پدربزرگ من زاده ایران است و در ایران زندگی می‌کرد. او پس از مدتی به پاکستان می‌رود. آن زمان مرزها به این شدت سفت و سخت نبود. پس از انقلاب او در پاکستان ماند و فرزندانش به ایران بازگشتند. اما تنها یکی از آنها با پیگیری‌های بسیار زیادی توانست شناسنامه بگیرد. در حال حاضر برای کسانی که سن بالایی دارند گرفتن شناسنامه بسیار سخت است.»

بلندترین صدای این روزها فریاد «اخراج کنید» برای مهاجران افغانستانی بود و در این میان، تعدادی از افراد بی‌هویت مانده در ایران هم به سیم‌خاردارهای مرز رسیدند و از خاکی که هویت‌شان را نادیده می‌گیرد، اخراج شدند. آنچه اما همچنان پابرجاست، نبود یک برنامه عملی و اجرایی برای ساماندهی بخشی از مردم این سرزمین است که هویت‌شان در پیچ‌وخم بوروکراسی، نگاه‌های امنیتی و تبعیض گم شده است.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور- اداره کل ثبت اسناد و املاک خراسان شمالی

شناسه‌آگهی: ۱۹۷۲۷۳۰

در اجرای ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین‌نامه اجرایی قانون یادشده اسامی افرادی که اسناد عادی یا رسمی آنان در هیات مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک بجنورد مورد رسیدگی و تایید قرار گرفته جهت اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز در دو نشریه آگهی‌های ثبتی (کثیرالانتشار و محلی) به شرح ذیل آگهی می‌گردد: بخش دو بجنورد پلاک ۲۲۴ اصلی اراضی موسوم به مملجه ۱-شش‌دانگ یک قطعه زمین زراعی با کاربری زراعی - باغی در قسمتی از پلاک شماره فرعی ۵۲ و شماره اصلی فوق به مساحت ۱۶۹۱۰/۴۹ مترمربع ابتیاعی فاطمه عبدی فرزند عبدالعلی به میزان شش دانگ یک قطعه زمین زراعی با کاربری زراعی - باغی از محل مالکیت ثبتی عبدالعلی برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۰۷۰۰۵۰۰۶۰۲۰ - ۱۴۰۳/۰۵/۲۸ بخش دو بجنورد پلاک ۵۸ اصلی اراضی موسوم به درتوم ۱-شش دانگ یک قطعه زمین زراعی با کاربری زراعی - باغی در قسمتی از پلاک شماره فرعی ۶۰۴-۶۰۵-۶۰۶ و شماره اصلی فوق به مساحت ۳۸۴۱/۶۳ مترمربع ابتیاعی صادق درتومی فرزند حسنعلی به میزان شش دانگ یک قطعه زمین زراعی با کاربری زراعی - باغی از محل مالکیت ثبتی شرفخان ولی علی اصغر برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۷۰۰۵۰۰۴۴۱۰ - ۱۴۰۴/۰۳/۲۷ لذا بدین‌وسیله به فروشندگان و مالکین مشاعی و اشخاص ذینفع در آرای اعلام‌شده ابلاغ می‌گردد چنانچه اعتراضی دارند باید از تاریخ انتشار آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند معترضین باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نمایند و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهند درصورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه ننماید اداره ثبت مبادرت به صدور سند خواهد نمود ضمناً صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۵/۰۷ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۵/۲۲

سعید عقیقی- رئیس ثبت اسناد و املاک منطقه دو بجنورد

آگهی مناقصه عمومی یک مرحله‌ای خرید سوئیچ و سرور و متعلقات

نوبت دوم

سازمان امور مالیاتی کشور
اداره کل امور مالیاتی استان گلستان

اداره کل امور مالیاتی استان گلستان در نظر دارد درراستای طرح گسترش فناوری اطلاعات وارتباطات نسبت به خرید سوئیچ،سروروملحقات با بهره گیری از سامانه تدارکات الکترونیکی دولت(www.setadiran.ir) به مبلغ برآوردی ۸۴۲۱۸۰۰۰۰۰۰ ریال را از طریق مناقصه عمومی یک مرحله‌ای به شرح مندرج در اسناد مناقصه به تامین کنندگان وشرکتهای فعال درحوزه فناوری اطلاعات کشورکه مورد تاییدسازمان برنامه بودجه کشور(دارای صلاحیت)اقدام نماید.

۱	مشخصات کالا	سوئیچ-سروروملحقات
۲	مبلغ برآورد	۸۴/۲۱۸/۰۰۰/۰۰۰ ریال
۳	نوع تضمین	ضمانتنامه بانکی
۴	مبلغ تضمین	۴/۲۱۰/۹۰۰/۰۰۰ ریال
۵	محل دریافت اسناد	سامانه تدارکات الکترونیکی دولت(www.setadiran.ir)
۶	مهلت دریافت اسناد	ازتاریخ ۰۶ /۰۵/ ۱۴۰۴ لغایت ۱۴۰۴/۰۵/۱۰
۷	مهلت ارسال پیشنهادات	از تاریخ ۱۱/۰۵/۱۴۰۴ لغایت پایان وقت اداری ۲۱ /۰۵ /۱۴۰۴
۸	گشایش پیشنهادها	ساعت ۱۰ صبح روز شنبه مورخ ۲۲/۰۵/۱۴۰۴ واقع در اداره کل امور مالیاتی استان گلستان

به پیشنهاد فاقد سپرده، سپرده مخدوش، سپرده کمتر از میزان مقرر، چک شخصی و نظایر آن و یا فاقد امضاء، شروط و همچنین پیشنهادهایی که پس از مهلت مقرر ارسال شود مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد.

ضمنا رعایت موارد ذیل الزامی می باشد:

۱- برگزاری مناقصه صرفا از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت می باشد و کلیه مراحل فرآیند مناقصه شامل خرید و دریافت اسناد مناقصه (در صورت هزینه مربوطه)، پرداخت تضمین شرکت در مناقصه (ودیعه)، ارسال پیشنهاد قیمت، بازگشایی پاکتها، اعلام به برنده، واریز وجه مناقصه در بستر سامانه امکان پذیر می باشد.

۲- شرکت کنندگان مکلف به ارسال اصل ضمانتنامه بانکی (پاکت الف) تا پایان وقت اداری روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۲۰ می باشند.

۳- علاقمندان به شرکت در مناقصه می بایست جهت ثبت نام و دریافت گواهی الکترونیکی (توکن) با شماره‌های ذیل تماس حاصل نمایند:

مرکز پشتیبانی و راهبری سامانه: ۴۱۹۳۴-۰۲۱

دفتر ثبت نام استان تهران: ۸۸۹۶۹۷۳۷-۸۵۱۹۳۷۶۸

اطلاعات تماس دفاتر ثبت نام سایر استانها در سایت سامانه (www.setadiran.ir) بخش ثبت نام / پروفایل مزایده گر موجود است.

شناسه آگهی: ۱۹۷۳۶۳۹

روابط عمومی اداره کل امور مالیاتی استان گلستان

سوختن در زاگرس

سه نیروی داوطلب در جریان اطفای حریق آبیدر سنندج جان باختند

آتش‌سوزی مراتع آبیدر سنندج جان سه نیروی داوطلب و فعال محیط‌زیست را گرفت و حالا تعداد کسانی که برای حفظ زاگرس در آتش سوخته‌اند، به ۲۶ نفر رسیده است. آتش کوه آبیدر ظهر دوم مرداد شعله‌ور شد و از میان نیروهای مردمی و سازمانی که برای اطفای حریق آن به منطقه رفته بودند، هفت نیروی داوطلب به دلیل وزش باد و گرفتار شدن در آتش دچار سوختگی شدند.

کوه آبیدر چند رشته کوه متصل به هم است و نیروهایی که در جریان اطفای حریق آبیدر بودند، از همان ساعات اولیه به چند گروه تقسیم شدند. آنها به رسانه‌ها اعلام کرده‌اند که بعد از خاموش کردن یکی از مسیرها، در شیب یکی از کوه‌ها، همچنان درختچه‌ها در حال سوختن بود؛ جایی که حمید مرادی و همراهانشان قرار داشتند. آنها می‌گویند وزش باد مسیر اطفای حریق را تغییر داد و آن را تشدید کرد و باعث گرفتار شدن این هفت داوطلب در میان شعله‌های آتش شد. این سه فعال محیط‌زیست یک ساعت بعد از مصدومیت، حوالی ساعت ۱۵:۳۰ عصر پنجشنبه با بالگرد به بیمارستان کوثر سنندج منتقل شدند. در نهایت حمید مرادی با ۹۵ درصد سوختگی روز جمعه درگذشت و چیاکو یوسفی‌نژاد با ۷۵ درصد و خبات امینی با ۷۹ درصد سوختگی بامداد روز یکشنبه در بیمارستان کوثر سنندج جانشان را از دست دادند. محسن حسین‌پناهی هم یکی از این هشت نفر بود که هنوز بستری است و آریاز سلیمی، کیوان منصوری و کنعان حدودی به‌صورت سرپایی درمان شدند.

چهارم تیرماه امسال، یک ماه قبل از جان‌باختن این سه فعال محیط‌زیستی، کاووس مرادی از نیروهای مردمی روستای شهید مرادی بخش دشت‌ارژن فارس، در حین خاموش کردن آتش مراتع منطقه خان زنیان، جان باخت. بررسی‌های هم‌میهن نشان می‌دهد از سال ۱۳۹۷ تا مرداد امسال در مجموع ۲۶ نفر در راه حفظ مراتع و جنگل‌های زاگرس جان خود را از دست داده‌اند؛ با این حال به دلیل روال سلیقه‌ای در این مسیر، بین تعداد واقعی آسیب‌دیدگان اطفای حریق آتش‌سوزی‌ها هم اختلاف وجود دارد و عنوان فداکار خدمت به همه آنها تعلق نمی‌گیرد.

حمید مرادی وکیل پایه یک دادگستری و مدیر انجمن محیط‌زیستی «شنه‌ی نوژین کردستان» بود که سابقه زیادی در حضور داوطلبانه برای اطفای حریق مراتع و جنگل‌های زاگرس داشت. خبات امینی هم از کنشگران طبیعت و کارمند اداره کار کردستان بود که او هم داوطلبانه برای مهارآتش آبیدر اقدام کرده بود. در کنار این دو نفر، چیاکو یوسفی‌نژاد، قهرمان ملی مچ‌اندازی و ورزش‌های رزمی، از همیاران طبیعت و از فعالان محیط‌زیست کردستان بود که او هم به دلیل سوختگی بالا جانش را از دست داد. پیکر حمید مرادی و خبات امینی در بهشت محمدی و پیکر چیاکو یوسفی‌نژاد هم در آرامستان حسن‌آباد سنندج به خاک سپرده شدند. حوالی ظهر روز گذشته استانداری کردستان به‌دلیل درگذشت سه فعال محیط‌زیستی در این استان، دو روز عزای عمومی اعلام کرد. براساس آیین‌نامه اجرایی قانون حمایت قضایی و بیمه‌ای از ماموران یگان حفاظت محیط‌زیست و جنگل‌بانان، هریک از داوطلبان، همیاران، تشکل‌های مردمی که در حوادث و بحران محیط‌زیستی با مدیریت سازمان محیط‌زیست حاضر می‌شوند و در بحران جان خود را از دست می‌دهند، لقب «فداکاران خدمت» می‌گیرند و اگر مصدوم شوند هزینه پزشکی، غرامت صدمه جسمی و نقص عضو به آنها تعلق می‌گیرد، با این حال فعالان محیط‌زیست می‌گویند این لقب به سختی به جانباختگان حفظ طبیعت اطلاق می‌شود و پرونده‌های پیشین هم هنوز پیگیری نشده است. آنها می‌گویند که نه در برنامه‌های پیشگیری، نه کاهش تعداد آتش‌سوزی‌ها، نه در کاهش وسعت حریق‌ها، نه در کاهش تلفات انسانی و نه در بهبود زیرساخت‌های پیشگیری، نتیجه ملموسی دیده نمی‌شود. کار هم شده باشد، به نسبت وسعت و تعداد آتش‌سوزی‌های زاگرس دیده نمی‌شود.